

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

بیکار پامیر

## نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان جلد دوم

فصل نهم

### هجوم مجدد طالبان به مزار

آمدگی های جنگی طالبان ، همنوایی فرماندهان حزب اسلامی و سایر پشتون تباران مناطق شمال با آنان ، اختلافات خونین ذات البینی میان جناح های مخالف و بالاخره چور و غارت و بیرحمی و نا روایی های گروه های جهادی و غیر جهادی ، دست به هم داده موجب گردید که طالبان دو باره به سوی مزار رو آورند . یکی از فرماندهان حزب اسلامی به نام ( ضابط خنجر ) حملات را از سوی میمنه آغاز نموده در همراهی با طالبان ، قیصار و غورماچ و بخشهایی از فاریاب را مجددا اشغال مینماید . قوای طالبان به پیشروی ادامه داده و نیرو های جبهه اسلامی با فرماندهان مربوط از قبیل جنرال مجید روزی ، هاشم ، قاری غلام ، غلام قادر و غیره به سوی ولسوالی ( خواجه سبزپوش ) عقب نشینی میکنند. بدین گونه ، طالبان پس از اشغال شهر اندخوی ، به طرف شبرغان می تازند . جنرال دوستم ، افراد و افسران در این جنگ نظم نظامی را به کلی از دست داده پراکنده می شوند و دوستم با عده ای از جنرالانش به شهرک مرزی حیرتان عقب نشینی میکند و طالبان به روز دوازدهم ماه اسد ۱۳۷۷ خورشیدی ، مجددا شبرغان را متصرف میشوند . این موضوع بسیار درد ناک است که در چنین موقع حساس که قوای طالبان به سرعت به سوی شهر مزار روان است ، به جای آنکه افراد حزب وحدت و سایرین آماده دفاع از شهر ، جان و مال مردم در برابر یورش مهاجمان شوند ، حتا متأسفانه به تعداد سه هزار تفنگداری که تازه از بامیان به مزار رسیده بودند، به تناول مال و منال اهالی مزار مشغول میشوند. آنها چنان هنگامه چور و چپاول و بیدادگری را به راه می اندازند که اهالی مزار یکبار دیگر آرزو میکنند که همان " کفن کشان قدیم " بیایند و آنان را از شر شرارت پیشگان مسلح نجات دهند. زیرا محقق " وزیر داخله " و رهبر حزب وحدت در پا سخ فریاد ها و شکایتهای مردم میگفت که در جلوگیری افرادش از غارت و شرارت عاجز میباشد . ربانی با " برادر " گلبدین در یک هلیکوپتر به سوی تخار فرار میکنند. در ساعات اخیر ، چند فرمانده باز هم چند فرمانده مانند ( امیر قلعهجه ) ، ( ارباب هاشم ) و ( مجید پاچا ) از حزب اسلامی گلبدین و ( حسن دیوانه ) از جنبش ملی – اسلامی مرتکب خیانت شده طالبان را به شهر مزار رهنمایی میکنند .

مهاجمان طالبی به مجرد ورود به شهر مزار که با پرداخت رشوه به قوماندان های متذکره و از راه کود و برق صورت گرفت ، مستقیماً بالای پوسته های حزب وحدت حمله ور شده و مردم هم که از آنها سخت آزرده شده بودند ، در این حملات سهم می گیرند. محلی را که از همه اولتر اشغال کردند (پل بکری) بود که در چند کیلو متری کود و برق موقعیت دارد ، چونکه محل مذکور بر سر راه دره صوف و بامیان قرار داشته و برای طالبان از اهمیت خاصی بر خوردار بود. در راه عبور به سوی قلعه جنگی و فرقه ۱۸ دهدادی باید از محله هزاره نشین ( شیخ آباد) میگذشتند. اهالی شیخ آباد که برای طالبان کمین کرده بودند ، به روی آنان شلیک کردند، ولی عاقبت طالبان توانستند از آنجا عبور نمایند. همینکه فرقه هجده و قلعه جنگی را متصرف میشوند ، به محله (شیخ آباد) برگشته علاوه از کشتار های دیگر ، به تعداد چهل نفر مرد هزاره را به شکل بسیار فجیع پوست میکنند و تمام دختران جوان محل مذکور را با خود میبرند. در عین حال ، طیارات طالبان اقدام به بمباران شهر میکنند و هم تفنگداران آنها به روی همه کس اعم از هزاره و ازبک و تاجیک و ترکمن و . . . بیباکانه شلیک می نمایند. مهاجمان طالبی که در یورش اول (ماه می ۱۹۹۷ م) به مزار ، قبر علی مزاری را ویران کرده بودند ، طی یورش اخیرشان ، به تعداد چهار صد تن هزاره را در محل قبر وی جمع نموده همه را سنگدلانه تیر باران کردند. بی رحمی ، بی باکی ، وحشت و کشتار توسط طالبان در شهر مزار و حومه به حدی شدید و گسترده بود که تا سه ، چهار روز متوالیاً به روی هر کسی آتش می گشودند ، خانه ها و کوچه ها را تفتیش نموده هر کسی را ، به خصوص هزاره ها را دستگیر و اسیر نموده به سرعت به قتل می رسانیدند. به تعداد یکهزار نفر را بالای گور های دستجمعی طالبان در دشت لیلی انتقال داده تیر باران کردند ، هزاران نفر دیگر را اسیر نموده توسط طیاره به زندان قندهار فرستادند. یک گروه از طالبان مسلح با شتاب به جنرال کونسل جمهوری اسلامی ایران یورش برده به تعداد نه نفر اعضای آنرا مغایر همه گونه موازین دیپلماتیک به قتل رسانیدند. هزاران جسد تا چند روز بر روی کوچه ها و خیابان های مزار قرار داشت و طالبان به کسی اجازه نمی دادند که آنها را دفن نماید. قرار اظهار بعضی از سر کردگان طالبان ، گویا ملا عمر دستور داده بود که تنها چهار ساعت کشتار عام صورت گیرد ، ولی طالبان این کشتار عام را چندین روز ادامه دادند.

احمد رشید ژورنالیست فعال پاکستان در صفحه (۱۲۴) کتاب ( طالبان ، اسلام . . . ) پیرامون اوضاع آن روز شهر مزار چنین مینگارد : " . . . طی ساعات بعد آنچه روی داد یک نسل کشی و حشیانه بود که طالبان به تلافی شکستهای سال گذشته شان به آن دست زدند . . . طالبان دیوانه وار دست به کشتار زدند . آنان سوار بر تویوتا های شان در خیابان های مزار جولان می دادند ، به چپ و راست شلیک میکردند و هر چیزی را که در حرکت می دیدند می کشتند. آنها به سوی زنان ، مردان ، مغازه داران ، گاری داران و کودکان و حتی الاغها و بز غاله ها تیر اندازی میکردند . . . یک مرد تاجک که از قتل عام جان به سلامت برده بود می گوید: " آنان بی خبر و ناگهان به سوی هرکسی که می دیدند، شلیک میکردند و هیچ فرقی بین زنان ، مردان و کودکان نمی گذاشتند . خیابانها مملو از اجساد مردگان شده و خون همه جا را فرا گرفته بود . مردم تا شش روز حق نداشتند اجساد نزدیکان شان را دفن کنند. سگها با خوردن گوشت انسان مست شده و بوی تعفن غیر قابل تحمل گشته بود ."

وی در صفحه (۱۲۵) کتاب مذکور مینگارد : " . . . آنان راهنمایی از میان پشتونهای محلی وابسته به حزب اسلامی انتخاب کردند که با شهر آشنایی کامل داشتند . در چند روز آتی جنگجویان بلخ (افراد حزب اسلامی) گروه های تجسسی طالبان را به منازل هزاره ها راهنمایی کردند. طالبان آنقدر غیر قابل کنترل شده بودند که حتی در این روز ها نیز هر کسی را که می خواستند ، هر چند غیر هزاره به قتل می رسانیدند. من خود شاهد کشته شدن یک جوان تاجیک بودم . طالب قاتل هنوز در محل حاضر و روی نعش جوان ایستاده بود. پدر جوان مقتول در حالیکه می گریست گفت : چرا

فرزندم را کشتید؟ قاتل پاسخ داد چرا نگفتی که من تاجیک هستم؟ و مرد مصیبت دیده در حالیکه زار می زد گفت : مگر شما از من پرسیدید که من جواب ندادم؟! "

ملا نیازی که تازه به حیث والی مزار مقرر شده بود ، در بحبوحه قتل و کشتار عمومی به مساجد شهر رفته با بی باکی تمام و آواز بلند اعلام کرد که : " شیعیان مزار سه راه بیشتر در پیش ندارند ، یا سنی شوند ، یا به ایران بروند و یا مرگ را بپذیرند. . . "

اینک ، چشمید یکی از زنان افغان از رویداد های شهر مزار را درج می کنیم که به تاریخ چهارم ماه اکتوبر ۱۹۹۸ م از طریق رادیو صدای امریکا به نشر رسید : " . . . وقتی که طالبان داخل شهر شدند ما در فاکولته بودیم . ساعت ده قبل از ظهر چند راکت فیر شد و صدای مسلسل های خفیف کلاشنکوف و مسلسل pk به گوش میرسید . نیم ساعت بعد شهر آرام شد . این فیر ها در جاده های عمومی صورت میگرفت و مردم در کوچه های فرعی فرار میکردند و تا آندم کسی نمی دانست که طالبان به شهر داخل شده اند و مردم فکر میکردند بین قومندان شیر عرب و شورای نظار جنگ است . وقتی موتر های طالبان با بیرق های سفید داخل شهر شدند مردم به خانه های خود پناه بردند و فهمیدند که طالبان داخل شهر شده اند . . . طالبان شروع به خانه تلاشی نمودند و از هر خانه جوانان را به زندان می بردند و مردم هزاره را در داخل خانه های شان می کشتند و اجازه دفن کردن به بیرون از خانه را نمی دادند . یکتعداد زیاد مردم که سه ، چهار تن از جوانان شانرا طالبان به قتل رسا نیده بودند در داخل خانه های خود آنان را دفن کردند و بعد از سه روز به مردم اجازه داده شد تا مرده ها را از روی سرک برداشته و دفن کنند . . . خودم حد اقل پنجاه تن را دیدم که دست های شان در عقب بسته بود و توسط طالبان به طرف زندان برده میشد که اکثرا جوانان بین سنین پانزده تا شانزده ساله بودند و بیشتر همین سن بچه ها را به زندان می بردند . در مدت سه روز تعداد زیاد از مردمان ملیت هزاره را که یکی از خویشاوندان ما در محل آنان سکونت داشت و برای ما حکایت نمود اکثراً به قتل می رسا نندند . در محله ( گنر ) پنجاه تن هزاره را به قتل رسا نیدند . . . بعد از آنکه مردم را به زندان می بردند از یک و تاجیک را از هزاره جدا کرده و هزاره ها را به کانتینر انداخته به طرف شبرغان می بردند که یکتعداد زیاد آنها در بین کانتینر از شدت گرما و تشنگی هلاک شدند . . . طالبان قبلا در مزار شریف رخنه کرده بودند ، اما مردم نمی دانستند . . . چند فامیلی که در همسایگی ما قرار داشتند با ورود طالبان فهمیده شد که از جمله طالبان بوده اند و به زودی به افراد مهم طالبان در شهر تبدیل شدند . این عده مربوط به حزب اسلامی و از اهالی بلخ بودند . . . زنان در گرمای ۴۵ درجه سانتی گریت در بیرون زندان منتظر می بودند تا از سرنوشت اولاد ، شوهر ، برادر و دیگر اقارب خود آگاه شوند ، محافظین زندان آنها را با قمچین می زدند و نزدیک زندان نمی گذاشتند . . . تا حال نشنیده است که طالبان زنی را کشته باشند ولی دروازه های مکاتب و فاکولته ها را بر روی دختران و زنان بستند . زنان می توانستند با چادری از خانه بیرون روند و سودای خانه را بیاورند . . . هنوز دفتر امر بالمعروف و نهی عن المنکر طالبان در شهر مزار شریف شروع به کار نکرده بود . . . از همسایگی ما چهار پسر و دامادش را طالبان با خود برده بودند یکی از کسانی که همان روز این حادثه را به چشم خود دیده بود به مادر آن چهار تن اطلاع داد که طالبان پسر بزرگش را بعد از خارج کردن از خانه در همان نزدیکی ها به قتل رسا نیدند . مادر به جستجوی جسد فرزندش مرده ها را که در روی کوچه و بازار افتاده بود زیر و رو میکرد که به نزدیکی وی صدای فریاد یک خانم دیگری که او نیز در تلاش مرده فرزند خود بود بلند شد . او جسد پاره پاره فرزندش را از روی پیراهن خون آلودش شناخته بود . زن همسایه ما گفت : کاش من نیز یک پارچه از بدن پسر را پیدا میکردم . او حتا نشانی هم از پسر خود نیافت . "

اشغال مجدد مزار توسط طالبان و فرار و عقب نشینی نیرو های جبهه اسلامی ، باعث آن شد که سمنگان، بغلان ، پلخمری، تخار و بامیان نیز به سرعت به دست طالبان افتاده و در هر جا تصفیه های خونین صورت گیرد . مهاجمان طالبی با همکاری و همیاری افراد و گروپ های پشتون تباری که غالباً از طرف جناح های مسلح جنبش و حزب وحدت و . . . خساره مند شده بودند ، پلخمری و دره کیان را که سید منصور نادری در آنجا مسلط بود، متصرف شده "آشیانه عقاب" را که سید منصور بنا نهاده بود ، ویران و دستگاه تصفیه طلا را که روزانه یک کیلو گرام طلای خالص از آن به دست می آورد ، غصب کردند و تمام ذخایر سلاح و موادی را که از سالها در آنجا نگهداری میشد ، متصرف شدند . سید جعفر فرزند سید منصور قومندان قول اردو و حسام الدین معاون قول اردو با یکهزار و هشتصد نفر افراد مسلح از دره کیان فرار نموده و بالاخره سید جعفر با تنی چند از همکاران نزدیکش نزد احمد شاه مسعود به دره پنجشیر پناه برد .

روزنامه مشهور استرالیایی به نام " ده سدنی مارننگ هرالذ " گزارشی داشت از قول خبر نگار خود در پاکستان و چنین :

" . . . افغانستان ترکیبی از گروپ های مختلف قومی ، مذهبی و لسانی است ، اما در هفته های اخیر کشتار بی رحمانه یک گروه بنیادگرا، هزاران نفر را به جرم اینکه به زبان دیگر صحبت میکنند و یا اینکه مذهب دیگری دارند ، هدف قرار داده است . مهاجرینی که بعد از هفته ها پیاده روی به پاکستان رسیده اند از کشتار طالبان بعد از داخل شدن شان به شهر مزار شریف در شمال افغانستان به تاریخ هشتم آگست قصه ها دارند . به گفته دپلوماتها و کارمندان خیریه در اولین حمله در حدود هزار نفر از اهالی شهر در روی سرکها توسط فیر تفنگ به قتل رسیدند. در روز های بعدی ، پس از اینکه لودسپیکر های مساجد به اقلیت مسلمان های شیعه امر داد که مذهب خود را به مذهب سنی طالبان تغییر دهند در غیر آن کشته خواهند شد ، تلاشی های خانه به خانه آغاز گردید . شیعه ها قومیت های تاجک ، هزاره و ازبک و کسانی که زبان پشتوی طالبان را صحبت نمی توانستند ، همه کشته شدند. مردانی که به سن جنگ رسیده بودند، زیاد تر تلفات را تشکیل میدادند. اکثر شان یا با فیر گلوله کشته شدند یا اینکه سر های شان بریده شد . شاهد های عینی به دپلومات های غربی گفتند که تعداد زیادی از مردم به شمول اطفال مانند رمه ای گوسفند در بین کانتینرها جابجا شده بودند که نسبت خفگی و کمی آب بدن تحت حرارت زیاد به هلاکت رسیدند. مهاجرین در پاکستان گفته اند که بعد از پرداخت رشوه به مسؤولین طالبان موفق به فرار گردیده بودند، اما اکثریت نفوس دو ملیونی اقلیت های شیعه فعلا در محاصره قرار دارند ."

اینک ، اطلاعیه ریاست امر بالمعروف و نهی عن المنکر ولایت فاریاب را در اینجا درج مینماییم:

"هموطنان متدین و مسلمان و لایت فاریاب ! شورای علمای و لایت فاریاب به مناسبت فرا رسیدن روز نو روز فیصله و فتوای ذیل را صادر مینمایند : تحایف به خاطر عید نوروز به خانه همدیگر روان کردن و تبریگی روز نو روز بر یکدیگر دادن ، خریدن کالا های نو از بازار و ساختن جهت پوشیدن به روز نو روز ، پختن طعام به نام عید نو روز و روان کردن به خانه های اقارب ، دوستان و خویشاوندان و رفتن فامیل های محترم به روز نو روز در قبرستان ها و جا های دیگر آنها همه شباهت به مشرکین مجوس است . برای مسلمان ها طبق احکام شرع حرام مطلق است . اگر کسی به خاطر تعظیم و تکریم این روز عید نو روز اعمال فوق الذکر را انجام می دهند مرتکب گناه کبیره گردیده و بیم کفر در آن می رود. بناءً از عموم همشهریان عزیز و مسلمان شهر میمنه ولایت فاریاب تقاضا میگردد به روز های نو روز به همچو اعمال غیر اسلامی دست نزنند

حتی فامیل های خود را از گشت و گذار های که در زمان سابق صورت میگرفت خود داری نمایند . در غیر  
آن به جزای شرعی محکوم میشوند . والسلام علی من التبع الهدا  
ملا عبدالقادر عثمانی "

اسمای بعضی از قوماندان های نیدخل در جریانات خونین سمت شمال ( شامل جناح های مختلف ) ازاینقرار بود :

گل محمد پهلوان

غفار پهلوان

حاجی امینی

لعل

جنرال وهاب

حکیم جرمن

پنجی

عصمت الله خان

علم خان آزادی

عبدالچریک

فقیر

عبدالرحمن خاخی

مجید روزی

شیر عرب

سلام بای

تاش محمد

رووفی

اکه حبیب

شیر علی دایی

داوود عزیزی

صادق

حیدر جوزجانی

قادر ( برادر دوستم )

غلام حضرت گرگدی

ماما ابراهیم

مجید پاچا خان

خوشوقت

غوٹ الدین

عبدالواحد هراتی

فتح الله  
قاری علم  
گلخان  
اختر لچک  
زینی پهلوان  
یوسف  
سید امین الله  
جمعه خان همدرد  
خدای قل  
جنرال کبیر  
روزی گیلدی  
جوره بیگ  
انجنیر احمد  
هاشم  
رسول بیگ  
شراب بیگ  
رووف ثوری  
عتیق الله  
امان  
گل حاجی  
احمد دابی  
انجنیر قدوس  
فاضل سنچارکی  
مصباح  
شیخ باقر  
نصیر دیوانه  
رحیمی  
امان قاق  
عبدالرحمن سر جنگ  
فوزی  
ادامه دارد